

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی<sup>۱</sup>

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۶

بازتاب سبک‌شناسی اعلام منطق الطیر عطار و طبقه‌بندی آنها

(ص ۲۰۵-۲۲۴)

امیر محمد اردشیرزاده<sup>۲</sup>، محمدیوسف نیّری<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۹۷

### چکیده

بررسی و معرفی شخصیتها، اعلام حقیقی و نمادین در منطق الطیر عطار نیشابوری مقاله‌ای است که در راستای شناخت و معرفی شخصیتها و اعلام حقیقی میباید؛ که با طبقه‌بندی موضوعات و معرفی اعلام و نشانی مفاهیم برگرفته از آیات و احادیث و رموز عرفانی شناخت بیشتری فراهم میسازد.

این اعلام شامل نامهای تاریخی، جغرافیایی، شخصیتهای حقیقی و نمادین است که دیدگاههای تازه‌ای در باب رموز و اصطلاحات عرفانی و ظاهر و باطن اعلام منطق الطیر بیان میگردد.

با بررسی جنبه رمزی برخی اعلام و شخصیتهای نمادین عطار، آن ابهامی را که لازمه این اثر عرفانی است، آشکار میشود و در حقیقت به منطق الطیر عمق بیشتری میدهد. در این مقاله سعی و تلاش بر آن بوده است که شیوه خاص عطار در بکارگیری برخی از شخصیتها که در قالب سمبل یا نماد بوده، بررسی و تحلیل و ارتباط و اهمیت اعلام با علاقه و اندیشه عطار آشکار شود. مطالعه همه جانبه اعلام منطق الطیر عطار بهترین راه شناخت شخصیت و دامنه علم و اندیشه وی و آشنایی با زبان رمزی و جنبه تمثیلی میباید که در اعلام خود بکار گرفته است.

**کلمات کلیدی:** عطار، منطق الطیر، اعلام منطق الطیر.

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- استاد دانشگاه شیراز، بخش زبان و ادبیات فارسی (M.nayyeri@yahoo.com)

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز (Ardeshirzadeh@yahoo.com)

## **The Stylistic Reflection of Signposts in Attar's Mantiqolteyr and Their Classification**

**Mohammad Yusuf Nayyeri<sup>۱</sup>, Amir Mohammad Ardeshirzadeh<sup>۲</sup>**

### **Abstract**

Review and introducing the characters and real and symbolic signposts in Mantiqolteyr of Attar is a paper which helps us to recognize them. This recognition will be more available by classification of signposts based on the subjects.

The classes contain historical names, geographical names, real signposts and symbolic signposts where causes new viewpoints in mystical idioms and secrets and their appearance and inside.

The review of symbolis aspects of some characters and signposts of Attar, will reveals the paronomasia which is requisite of this mystical work and deepens the meaning of Mantiqolteyr.

This paper attempts to study the special way of Attar in the use of some characters in symbolic formats and try to analyze and find the importance and connection between the signposts and Attar's interests and intellectual ideas.

The comprehensive study of Mantiqolteyr's signposts is the best way of recognition of Attar's character, the scope of his science and thoughts, Also, his dominance in secret language and allegorical aspect which used in signposts.

**Keywords:** Attar, Mantiqolteyr, Signposts of Mantiqolteyr.

---

<sup>۱</sup>- Professor of the Department of Persian Language and Literature, University of Shiraz(M.nayyeri ۱۱۰@yahoo.com)

<sup>۲</sup>- Ph.D Student in persian language and literature , University of Shiraz (ardeshirzadeh۰۳@yahoo.com)

## ۱- مقدمه

درباره آثار بزرگان عرفان اسلامی، کتابهای بسیاری نوشته شده، اما آن چه باید به رشته تحریر درآید هنوز بسیار اندک است. وقتی به اندیشمندی بزرگ چون شیخ فریدالدین عطار نیشابوری و کتابهای تعلیمی و رمزی وی میرسیم، شرح گونه ها را بیشتر از تحقیقات، ضروری و روشن کننده میابیم.

بدیهی است شناخت آثار عطار با پایمردی شرحهای نوشته شده بر آنها امکان پذیر نیست؛ زیرا شارحان بنای شرح را بر آن گذاشته اند که خواننده شان از جزئیات امر آگاه است. در حالی که این راه باید به یاری فرهنگنامه ای تدوین شده بر تحلیل و بررسی، معرفی شخصیتها و اعلام حقیقی و نمادین همراه باشد تا با طبقه بندی موضوعات و معرفی اعلام و نشانی مفاهیم برگرفته از آیات و احادیث طی شود.

عطار در منطق الطیر پیش از ورود به داستان سیمرغ و پرندگان مسافر، شیوه خاصی را در استفاده از سمبل ایجاد کرده است و سمبلهای موردنظر خود را به دفعات در قالب آن ارائه میکند. نماد یا سمبل یکی از انواع صور خیال شاعرانه است که به دلیل تعدد مفاهیم و ظرفیت معنایی گسترده ای که دارد، در مرتبه ای فراتر از استعاره قرار میگیرد. در نماد یک واژه افزون بر حفظ معنای حقیقی خود، یک یا چند معنای غیرحقیقی و مجازی را نیز نمایندگی میکند.

بررسی اعلام و شخصیتهای منطق الطیر، تحقیقی است که نامهای تاریخی، جغرافیایی، شخصیتهای حقیقی و نمادین را مورد بررسی قرار میدهد و دیدگاههای تازه ای را در باب رموز و اصطلاحات عرفانی و ظاهر و باطن اعلام منطق الطیر، بیان میکند. غرض از این کار، کاوشی در وجدانیات مغفوله عطار در باب شناسایی اعلام مورد توجه او که از صمیم قلب به آنها عشق میورزیده است، میباشد. مثلاً در احصای کلمه آدم در منطق الطیر، ملاحظه میشود که این کلمه ده بار آمده است، حال آن که از سقراط و اسکندر یک بار استفاده شده است.

گروهی از اعلام درباره انبیای عظام و احوال صحابه و خلفای راشدین میباشند. همچنین از شخصیتهای تاریخی که نام آنها در تاریخ و فرهنگنامه آمده است؛ عده ای از فقیهان، واعظان، عارفان و حاکمانی هستند که در زمان حیات عطار مشهور بوده اند و یا قصه ای از آنها بر سر زبانها بوده است. قلمرو اعلام در منطق الطیر به مراتب وسیعتر و فراگیرتر از سایر آثار کلاسیک و نظایر آن میباشد. این قلمرو به مناسبت بر خورداری این منظومه از آیات و رموز قرآنی، قصص و سایر مضامین آن است.

عطار در کتابش به تصریح نام و نشان نوزده (۱۹) مرغ را آورده است. آن چه مهم است بررسی این شخصیتها با توجه به ویژگیهای جسمانی و نیز نفسانی این پرندگان و زمینه

های اساطیری آنها، که بیش و کم مورد نظر عطار بوده است، میباشد. به هر تقدیر، بررسی زبان رمزی عطار در این اعلام که همراه با استعارات و کنایات لطیف و از طرف دیگر، از معانی بلند قرآنی و غنای گفتار رسول خدا (ص) و دیگر اولیا و بزرگان شریعت و طریقت همراه با تعبیرات زیبای عامیانه مایه میگیرد، مورد توجه است. سهیلا صارمی نیز در کتاب «مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار» به نحوی جامع به بررسی زبان عطار پرداخته است.

با انجام این تحقیق، اندیشه، علاقه و ذوق عطار با توجه به اعلام آشکارتر میشود. همچنین با انجام این پژوهش، خواننده اطلاعاتی لازم جهت ورود به منطق الطیر عطار کسب میکند که در دریافت معانی مهم است. از طرف دیگر، محققان با در دست داشتن این تحقیق میتوانند به یافته‌های جدیدی درباره‌ی کنه اندیشه عطار و نیز جزئیات امر آگاه شوند و از این طریق به شناخت اعلام مورد نظر خود دست یابند.

در حقیقت بررسی و مطالعه همه جانبه اعلام منطق الطیر عطار بهترین راه شناخت شخصیت و دامنه علم و اندیشه وی و آشنایی با زبان رمزی و جنبه های تمثیلی میباشد که در اعلام خود بکار گرفته است. با بررسی جنبه های رمزی برخی اعلام و شخصیت‌های نمادین عطار، آن ایهامی که لازمه این اثر عرفانی است، آشکار میشود و در حقیقت به منطق الطیر عمق بیشتری میبخشد و همین جاست که زبان عطار تبدیل به تازیانه اهل سلوک میشود.

در این مقاله ضمن بررسی و مطالعه همه جانبه اعلام منطق الطیر، اهداف اصلی و فرعی زیر دنبال شده است:

- شناخت دقیق اعلام حقیقی و نمادین منطق الطیر عطار و استخراج معانی حقیقی و رمزی شخصیت‌های داستان منطق الطیر عطار.

- بررسی شخصیت‌های عطار با توجه به رویکرد کاربردی آنها در منطق الطیر و شناخت مفاهیم رمزی اعلام در مکتب عرفان عطار.

بررسی و استخراج تفاوت های معنایی شخصیت‌ها از شرح‌های مختلف منطق الطیر و بی نیاز بودن از جمع آوری منابع و مآخذ بی شماری که در مورد اعلام، اطلاعاتی به دست میدهند.

برای پیدا کردن و استخراج اعلام از کتاب منطق الطیر با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ ششم (۱۳۸۸) استفاده شده که برگرفته از معتبرترین و بهترین نسخه های کهن و شناخته شده در جهان است. شفیعی کدکنی در گزارش کار کتاب منطق الطیر میگوید: «سعی شده است میان دو کفه ترازوی «صحت» و «اصالت» که در نهایت یک چیز است، اعتدالی برقرار شود و تا آنجا که مقدور مصحح بوده است، صورت

درست گفتار عطار از میان انبوه ضبطهای مختلف با روش علمی و اصول سبک شناسی و نقد متون، آشکار شود.» (منطق الطیر، ۱۳)

روش تحقیق در این مقاله به شیوه تحلیل و شرح بر اساس منابع و با استفاده از ابزار کتابخانه ای است. این تحقیق با طی این مراحل انجام شده است: مطالعه متون، یادداشت برداری، تحلیل و بررسی معانی حقیقی و رمزی، مقایسه و مشخص کردن وجوه تشابه و افتراق معانی حقیقی و رمزی.

## ۲- پیشینه تحقیق

منطق الطیر عطار آکنده از نظریات و عقاید صوفیانه و عارفانه است که با ساده ترین زبان و در قالب حکایت و داستان بیان شده است. منطق الطیر خود حماسه حرکت روح آدمی است به طرف کمال، تا به جایی که انسان خود را در آیینة جمال سیمرغ ببیند و در او محو و فانی شود، یا نه، سیمرغ را در آیینة دل خود ببیند و دل را با همه شکستگی، مقدم پاک او به شمار آرد.

بررسی و شناخت اعلام حقیقی و نمادین در منطق الطیر، از این جهت سودمند است که هم نشان دهنده غنای فکری و فرهنگی شاعر است و هم پشتوانه ای استوار است که به مدد آن میتوان معانی گسترده مورد نظر شاعر را بیان و تفهیم کرد. تا کنون تحقیق و پژوهش کامل و یکنواختی در مورد اعلام منطق الطیر صورت نگرفته است. تنها در برخی از منابع به صورت مختصر و اجمالی و پراکنده، به جمع آوری برخی اعلام منطق الطیر و شرح کوتاه و مجزا پرداخته شده است. از بین این آثار میتوان به کتاب «رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی» اثر پورنامداریان و «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار» از فروزانفر اشاره کرد. در کتاب «صدای بال سیمرغ» نیز زرین کوب به جنبه های رمزی و اندیشه های عطار در زمینه بکارگیری اعلام اشاره کرده است. اشرف زاده نیز در «تجلی رمز و روایت در شعر عطار» به بررسی اعلام اسطوره ای و رمز و روایتی در منطق الطیر پرداخته و معانی گسترده ای را که عطار با اشاره و تلمیح بیان کرده، تشریح کرده است. در برخی آثار نیز مانند کتاب «سیمرغ و سی مرغ» نوشته منزوی، به طور خاص به تفصیل و شرح سیمرغ و ویژگیهای رمزی و نمادین و حقیقی آن اشاره کرده است.

در این تحقیق بر آنیم راهی روشن و علمی و مستند برای فهم بیشتر معانی و مفاهیم رمزی اعلام عطار بگشاییم؛ کاری که تا کنون به صورت منسجم و کامل انجام نشده است. از این جهت شناخت این موارد و کیفیت کاربرد آنها سهم بزرگی در شناخت منطق الطیر عطار و پی بردن به معانی اشعار او دارد.

## ۳- منطق الطیر

منطق الطیر یا مقامات طیور که ظاهراً آخرین مثنوی عطار میباشد برگرفته از تعبیر

«منطق الطیر» از آیه «و ورث سلیمان داوود و قال یا ایها الناس علمنا منطق الطیر»<sup>۱</sup> است. این مثنوی گزارش یک جستجو و نشان یافتن از سیمرغ بی نشان است. بیگمان منظور عطار زبان استعداد و ظهور مرتبه و مقام هر یک از مردان و سالکان طریق حقیقت بوده است و تصویر سیر در مقام و احوال سالکی است که مراتب سلوک را به صورت رمز در جستجوی مرغان به بیان می‌آورد.

طرح و پیرنگ این سیر و جستجو عبارت است از اجتماع مرغان و پیدا کردن پادشاهی که بر آنها فرمانروایی کند. هدهد که نماد رسالت و هدایت و رمز شیخ و نماد مرشد راه بین است و قبلاً در سفارت بین سلیمان و بلقیس سابقه داشته است رهبری مرغان را بر عهده می‌گیرد.

بسیاری از مرغان از شرح وادیه‌های طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، فقر و فنا که هدهد مطرح می‌کند ناامید شده و در طلب مقصود برخی پای پس میکشند و گروهی دیگر هلاک میشوند. تنها سی مرغ نحیف و بال و پرسوخته به حضرت سیمرغ میرسند. ابتدا با مشاهده عظمت سیمرغ دچار حیرت و ناامیدی میشوند سپس سی مرغ بی خود از خود به نور سیمرغ چهره سیمرغ را میبینند و وقتی سیمرغ به خود نگاه میکند همه چیز سیمرغ است و سی مرغ در میان نمیباشد همه در سیمرغ محو میشوند و بقای بعد از فنا ایجاد میشود.

بدیع الزمان فروزانفر می‌گوید: «مقصد حقیقی عطار در این مثنوی بیان کیفیت وجود یا بر رستن طلب در دل طالب و رسیدن او به درجه ارادت است که این معنی را در ضمن مجمع ساختن مرغان و انتخاب هدهد به رهنمونی به اشارت و کنایت باز نموده است. پس از آن به ذکر حالات مختلف مریدان و وساوس و خطراتی که به وقت سلوک برای آنها پیش می‌آید پرداخته و علاج هر یک را بازگفته و موانع و قواطع طریق را نشان داده است.» (نقد و تحلیل آثار شیخ فرید الدین عطار، ص ۲۴۸)

زرینکوب نیز می‌گوید: «در این نظام رمزی سیمرغ کنایه از جناب قدس، هدهد کنایه از مرشد و دلیل راه و هریک از مرغان طیار سیار کنایه از احوال ویژه یک سالک طریق است. نام هدهد و منطق الطیر که هر دو از قرآن کریم و از قصه سلیمان نبی مأخوذ است سیمرغ را که رمزی از جناب احدیت است در مجموع قصه مظهر کمال و جلال سلطانی قرار میدهد و این نکته را که مرغان در جستجوی خود برای پادشاه خویش به سوی او روی آرند توجیه میکند.» (صدای بال سیمرغ، ص ۹۳-۹۴)

در کتاب تجلی شاعرانه رمز و روایت در شعر عطار می‌خوانیم: «عطار اگر چه زبان شعریش تا حدی بسیار ساده و روشن است و حتی مطالب پیچیده و مبهم عرفانی را در قالب

داستانهایی شرح و بسط میدهد و خواننده را به اصل مطلب آشنا میکند اما گاه او نیز «رموزی» در شعر خود بکار میبرد که نمونه بارز آن مثنوی منطق الطیر است که از عنوان گرفته تا انتخاب سیمرغ هر یک رمزی از گروه و طایفه ای خاص است. سیمرغ خود مظهر و رمزی از حقیقت مطلق است در حالی که هر یک از مرغان رمزی و نمودی از دسته ای از سالکان و گروه مردمند. «(تجلی شاعرانه رمز و روایت در شعر عطار، ص ۴۸)

عطار در منطق الطیر در اغلب مواقع شخصیتها، رمزها، اسطوره ها و اشارات داستانی را شاعرانه متجلی میسازد تا به کمک آن اندیشه های عارفانه خود را به آسانی القا کند.

#### ۴- اعلام منطق الطیر

در بررسی اعلام منطق الطیر از جنبه های حقیقی و رمزی با تنوع و کثرت شخصیتهای فراوانی رو برو میشویم. به همین سبب طبقه بندی و دسته بندی آنها امکان بررسی بهتر را فراهم میکند. در سبک منطق الطیر با توجه به ویژگیهای این کتاب، عطار حجم بالایی از اعلام را در قالب تلمیحات و پردازشهای مفهومی و اشارات مور توجه قرار داده است. در یک طبقه بندی دریافته میشود که اعلام موجود در منطق الطیر میتوانند در پانزده طبقه و محور مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند؛ که برخی از آنها در معنای حقیقی و ظاهری خود بکار رفته اند بعضی دیگر در معنای رمزی و نمادین و گروهی در هر دو معنای ظاهری و باطنی. این طبقات عبارتند از: پیامبران، شخصیتهای دینی و مذهبی، عرفا و شیوخ، پادشاهان و حاکمان، دانشمندان، فرشته ها، زنان، عاشقان و معشوقان، وزراء، غلامان، منکران و معاندان، اشخاص متفرقه، شخصیتهای اساطیری، اعلام جغرافیایی و پرندگان.

#### ۴-۱- پیامبران

عطار در منطق الطیر داستان زندگی هفده پیامبر را انعکاس میدهد و به وقایع زندگی آنان کم و بیش اشاره میکند. در میان زندگی پیامبران بیشتر از همه به داستان زندگی حضرت محمد(ص) در زمینه شخصیت و حوادث به صورت واقعی میپردازد. در بین پیامبران حضرت یوسف (ع) بیشترین بسامد را داراست و بیش از سی و سه بار از وی یاد شده است. سپس حضرت موسی(ع) که شانزده بار، حضرت محمد (ص) چهارده بار، حضرت عیسی (ع) و حضرت سلیمان (ع) هر کدام یازده مرتبه، حضرت آدم(ع) ده بار، حضرت ابراهیم (ع) و حضرت داوود (ع) هر کدام هفت بار، حضرت یعقوب (ع) چهار بار، حضرت نوح (ع) و حضرت خضر (ع) نیز هر کدام دوبار و حضرت یحیی(ع)، زکریا(ع)، صالح (ع) و ایوب (ع) هر کدام یکبار بکار رفته اند.

پیامبران در منطق الطیر با چهره ای متفاوت نمود مییابند و قصه زندگی آنان بر مذاق اهل عرفان تفسیر میشود. به عنوان نمونه داستان یوسف (ع) که احسن القصص قرآن است، وسیله ای است تا عطار با توسل به آن افکار خویش را بازگو کند و عشق و عرفان و درد را

که با خود همراه دارد و در اندیشه‌ی خویش می‌پرورد، به رشته سخن درآورد. همچو یوسف بگذر از زندان و چاه تا شوی در مصر عزت پادشاه (همان، ۲۶۱)

عطار بسیاری از پیامبران را در قصه‌هایش در جنبه‌های رمزین و نمادین بکار می‌گیرد. به عنوان مثال یوسف (ع) را رمز روح والای انسانی میدانند. ابراهیم (ع) مظهر پاکبختگی در برابر حق و نهایت تسلیم و رضا، حضرت یحیی (ع) نماد زهد و پارسایی<sup>۱</sup>، سلیمان (ع) انسان کاملی که دیو نفس را در بند کشیده و بر اسرار جهان آگاه است. ایوب (ع) مظهر عاشق صبور و وفاداری است یا حضرت صالح (ع) که مظهر روح است، حضرت نوح (ع) مظهر عمر دراز و شکیبایی، یعقوب (ع) نماد صبوری و رمزی از عاشق دلسوخته، خضر (ع) که هم چهره‌ای اسطوره‌ای دارد و هم مظهر انسان کامل و پیر و مرشد و راهنمای سالکان است. موسی (ع) مظهر غیرت توحیدی و گفتگوی با خداست. نیز حضرت آدم (ع) که گاهی مظهر عقل، خلیفه الهی و خلافت و نماد انسانی که از راه عشق مجازی (گندم) به عشق حقیقی دست می‌یابد.

حضرت محمد (ص) در منطق الطیر و از زبان عطار با توجه به عشق، علاقه، تکریم و تقدوسی که عطار به سرور کاینات دارد، مظهر کمال، مجمع اسماء شاهی، علت غایی آفرینش و میوه عشق الهی است.

باز نامد کس ز پیدا و نهان در دو عالم جز محمد زان جهان (همان، ۲۴۸)

#### ۴-۲- شخصیت‌های دینی و مذهبی

این طبقه شامل: ابوبکر، اویس، ذی النورین (عثمان بن عفان)، علی (ع) و عمر می‌باشد که جدا از نقش دینی و مذهبی، در نقش انسان‌های کامل و عاشقان ظاهر شدند. عطار در منطق الطیر سه بار لفظ ابوبکر، هشت بار کلمه صدیق و یکبار لفظ عتیق را بکار می‌برد. نیز زهد، صدق، تواضع و اخلاق صوفیانه وی را به تصویر میکشاند. اویس یکبار به عنوان بزرگ‌مشاخ اهل تصوف و کسی که از دیدار پیامبر (ص) محروم شد نامی از وی به میان می‌آید. بعضی از تابعین به پارسایی و خداترسی، شهرت یافته‌اند از جمله اویس قرنی که گویند به سبب اشتغال به خدمت مادر از درک صحبت پیامبر (ص)<sup>۲</sup> بازماند و در متابعت او چندان پابرجا بود که وقتی شنید دندان پیغمبر در جنگی شکسته است چون نمیدانست کدام دندان او بوده همه دندانهای خود بشکست. (ارزش میراث صوفیه، ص ۴۷۲)

<sup>۱</sup>- برخی، حضرت یحیی (ع) را از مظاهر بکاء و غلبه خوف و زهد و پارسایی به شمار می‌آورند. (داستان پیامبران، یزدان پرست، ۸۱۹)

<sup>۲</sup>- کشف‌المحجوب، هجویری، ۱۰۰.



از عثمان شش بار یاد میشود و عطار وی را مردی شرمگین، با تقوا و پرهیزگار معرفی میکند. شیخ عطار در منطق الطیر از مولا علی (ع) با نامها، کنیه ها و القاب فراوانی یاد میکند. وی شش بار نام علی (ع) و چهار بار لقب حیدر و پنج بار نیز اسم مرتضی را بکار برده است. علی (ع) را مظهر ولی حق و اسوهٔ پارسایی و شجاعت، نمونه و مظهر بارز یک مسلمان فداکار میدانند که در برابر ربّ یگانه و پیامبر (ص) تسلیم محض بود. چون علی از عیبهای حق یکیست عقل را در بینش او کی شکست (منطق الطیر، شفیعی کدکنی، ۲۵۲) لفظ عمر و فاروق نه بار بکار میرود. عطار به عدل و عدالت و سخت کوشی عمر اشاره میکند.

#### ۴-۳- عرفا و شیوخ

در بررسی اعلام منطق الطیر از جنبه های حقیقی و رمزی با شخصیت‌های فراوانی از جمله عرفا و شیوخ رو برو میشویم. عطار در منطق الطیر در اغلب مواقع شخصیتها و اشارات داستانی را شاعرانه متجلی می‌سازد تا به کمک آن اندیشه های عارفانه خود را به آسانی القا کند.

شیخ عطار با ذکر چهره های عرفا و شیوخ در منطق الطیر که آنها را سالاران طریقت و رهبران حقیقت میدانند، علاوه بر معرفی این چهره ها میخواهد سالکان راه را به پیروی از احوال و اقوال آنها تشویق کند.

بخش عمدهٔ اعلام منطق الطیر را عرفا و شیوخ شامل میشود و عمده ترین قصه های منطق الطیر که متضمن لطایف میباشند از احوال ایشان است که شریعت و طریقت را به گونه ای عطار در قصه های خود در قالب عرفا برای نیل به حقیقت فراهم میسازد. عرفا و شیوخ اغلب به صورت عاشقان و انسانهای کامل بروز و ظهور میکنند.

در منطق الطیر از بیست و هفت عارف و شیخ یاد میشود که عبارتند از: ابراهیم ادهم، ابوالحسن خرقانی، ابوالحسن نوری، ابوبکر نیشابوری، ابوسعید ابوالخیر، احمد حنبل، اکاف، بایزید بسطامی، بشر حافی، بوعلی رودبار، بوعلی فارمدی طوسی، ترمذی، جنید بغدادی، حبیب اعجمی، حسن بصری، ذوالنون مصری، شبلی، شیخ صنعان، شیخ نصرآباد، شیخ نوقانی، شیخ غوری، لقمان سرخسی، مالک دینار، میرکاریز، معشوق طوسی و یوسف همدان.

بارزترین چهره در میان آنان شیخ صنعان است که جایگاه ویژه ای نزد عطار دارد و یک قصهٔ کامل و حدیث عشقی محسوب میشود و از دیدگاه عطار نماد عارف عاشق و ولی حق است. در این قصه عطار سعی دارد نقش پیر و من وجودی و درونی را که از آن به نفس تعبیر میکند به خوبی نشان دهد؛ نیز ارتباط عشق عرفانی با بلا و صبر توأم با رضا را در این

داستان جلوه می‌دهد. عطار در این داستان، به گونه‌ای از معرفت از راه کشف و شهود تکیه میکند که از طریق خواب به عارفان الهام میشود. از دیگر نکات قابل توجه این داستان، رابطه زهد با سکر و مستی است.

شیخ صنعان، پیر عهد خویش بود در کمال از هرچه گویم بیش بود (همان، ۲۸۶)

عطار در بین عرفا و شیوخ منطق الطیر بیشتر حکایات و داستانهای خود را از زبان جنید و شبلی بیان میکند. وی در شرح حال شبلی سخن را به سر حد اعجاز کشانیده و داد فصاحت داده و قلم سحرانگیز خود را در بیان سرّ اخلاص عمل و نقش مسئولیت انسانی در رهایی از تعلقات که مقدمه نیل به کمال میباشند، معرفی میکند. عطار وی را مظهر عارف عاشق، عارف بلند مرتبه، سرفراز متقیان و پاکان، سرور قوم و امام اهل تصوف میدانند.

دیگر عرفا و شیوخی که عطار متذکر میشود عبارتند از: بشر حافی که وی را به پرهیز از هر آنچه تعلق به حرام کاران دارد الزام میکند، ذوالنون مصری که او را مظهر رهایی از همنشینی ارباب دنیا میدانند، به و سیله بایزید بسطامی راه مجاهده در حق را با پشت سر گذاشتن احوال و مقامهای گوناگون نشان میدهد و حلاج را در عشقبازی و در محنت عشق نمونه پایداری اهل سلوک معرفی میکند.

#### ۴-۴- پادشاهان، حاکمان و فرمانروایان

در این گروه، فرعون مثل اعلاّی قدرت و ستمگری و غرور است. نمرود، سالکی غافل از لطف و رحمت پروردگار محسوب میشود.

چیست دنیا، آشیان حرص و آز مانده از فرعون و از نمرود باز (همان، ۳۲۳)

محمود غزنوی پادشاهی زورمدار، مظهر قدرت و دیانت نزد عطار است که در اشعارش چهره ای دگرگون پیدا کرده و با بیست و شش بار، بیشترین بسامد را در منطق الطیر دارد.

چون خبر آمد به محمود از ایاز خادمی را خواند شاه حق شناس (همان، ۲۸۳)

#### ۴-۵- دانشمندان و صاحب نظران

عطار در طبقه دانشمندان و صاحب نظران از ارسطو و سقراط یاد میکند و آنان را مظهري از حکمت، فرزنگی و کمال عقل و دانایی می‌شمارد.

چون بمرد اسکندر اندر راه دین ارسطاطالیس گفت ای شاه دین (همان، ۴۳۸)

گفت چون سقراط در نزع اوفتاد بود شاگردیش گفت ای اوستاد (همان، ۳۳۹)

#### ۴-۶- فرشتگان

فرشته ها در منطق الطیر اغلب با چهره واقعی خود نمایان میشوند. ابلیس، به دلیل این که سالها همنشین و مصاحب ملائکه بوده همردیف فرشتگان قرار میگیرد. عطار وی را مظهر پلیدیها، ناپاکیها و نمود انسانیهای بدنهاد میداند و همردیف نفس به شمار می آورد. جبرئیل، از فرشته های مقرب که حامل وحی الهی برای انبیا بود، نزد صوفیه روح طبیعی عالم عنصر میباشد. ابن عربی، جبرئیل را فرشته کلیم موکل به علم و وحی میداند. ( فرهنگ معارف اسلامی، ص ۱۷۲) عطار آن را فرشته امین وحی الهی، انسان کامل و نمودی از ارواح پاک میداند.

جبرئیل از دست او شد خرقه دار در لباس دحیه زان گشت آشکار (همان، ۲۴۷)

عزازیل، نیز از دیدگاه عطار مظهر و نمودی از فرشته مرگ است. منکر و نکیر، که در منطق الطیر یکبار از آنها یاد میشود مظهر بازپرسان الهی میباشد.

#### ۴-۷- زنان

در گروه زنان، بتول (زهرا(س))، حمیرا (عایشه)، رابعه، زلیخا و مریم(ع) را میبینیم. در نقطه اوج و قله عشق، زلیخا قرار میگیرد که محو در عشق یوسف (ع) است. بتول، در فضل و دین از زنان زمان خود بی همتاست و عطار یکبار از وی یاد میکند و وی را مظهر پاکدامنی و فضیلت میداند.

مرتضای مجتبی جفت بتول خواجه معصوم داماد رسول (منطق الطیر، شفیع کدکنی، ۲۵۲)

عایشه (حمیرا) نیز که یکبار از وی یاد میشود مظهر پاکبختگی و انسان پاکدل است. باز در بازآمدن آشفته او کلمینی یا حمیرا گفته او (همان، ۲۴۷)

عطار پنج بار از رابعه که معروف به ام الخیر و تاج الرجال بوده، یاد میکند؛ و وی را مظهر عاشق روشن بین و عاشق فانی میداند.

زلیخا را نیز مظهر فریب، تسلیم، عشق و پاکبختگی میداند. مریم را که از نظر تاریخی و اعتقادات دینی دارای مقام با اهمیتی است، یکبار یاد میکند و مظهر سالک روشن بین میداند.

زن ندیدی تو که از آدم بزاد مرد نشیدی که از مریم بزاد (همان، ۳۹۶)

#### ۴-۸- عاشقان و معشوقان

با نگاهی اجمالی به طبقه عاشقان و معشوقان در میابیم که عطار به داستانهای عاشقانه

و غنایی نیز توجه داشته است و آنجا که می‌خواهد اتحاد عاشق و معشوق را بیان کند و نهایت عشق را در سیمای مجنون، عاشقی که فراق و هجران لیلی وی را به دستبوسی سگ کوی معشوق میرساند، بیان میکند. این قصه در فرهنگ عرفانی عطار به صورت اسطورهٔ محبت درآمده است.

عطار از لیلی پنج بار یاد میکند و وی را هم مظهر عشق مجازی و هم معشوق ازلی میداند. لفظ مجنون نه بار بکار می‌رود و عطار وی را عاشق سودا زده و عارف روشن بین میداند.

گفت مجنون گر همه روی زمین هر زمان بر من کنندی آفرین  
من نخواهم آفرین هیچکس مدح من دشنام لیلی باد و بس  
(همان، ۴۲۴)

عطار برای اثبات راز بزرگ صوفیانه که همه چیز اوست و فرقی بین عاشق و معشوق نیست، داستان عشق لیلی و مجنون را بهانه قرار میدهد تا بتواند اصل وحدت وجود را ثابت کند. این قصه داستان عشق پاک و بی‌آلایش است.

#### ۴-۹- وزیران

وزیران منطق الطیر دو نوع متفاوت هستند: یکی «حسنک وزیر» که مشورت با او انسان را به راه درست میکشاند، دیگری «هامان» که مشورت با او انسان را به دوزخ گمراهی میکشاند. عطار از حسنک وزیر پنج بار یاد میکند و وی را مظهر عقل کل و وزیر مهتر میداند. از هامان نیز تنها یکبار یاد میشود.

تا تو را نفسی و شیطنانی بود در تو فرعونی و هامانی بود  
(همان، ۳۶۸)

عطار هامان را مظهر نفس پلید سگ صفت و مشاور ناشایست میداند.

#### ۴-۱۰- غلامان

در گروه غلامان تنها از ایاز یاد شده است. کسی که غلام عشق است و محو در آن. عطار در منطق الطیر نه بار لفظ «ایاز» و چهار بار «ایاس» را بکار میبرد (که میدانیم هر دو یکی هستند). ایاز در نگاه عطار مظهر انسان کامل، عاشق از خود رسته و عارف بالله میباشد. هست ایازت سایه‌ای در کوی تو گم شده در آفتاب روی تو  
(همان، ۴۰۷)

#### ۴-۱۱- منکران و معاندان

از گروه منکران و معاندان، دو بار از «آزر»، یک بار از «سامری» و یک بار نیز از «قارون» یاد میشود. عطار آزر را بت تراش میخواند و سامری را مظهر عالم مزور و نمودی از تنفر میداند.

زر پرستیدن بود از کافری نیستی آخر ز قوم سامری  
(همان، ۲۷۸)

از نگاه عطار، قارون مظهر بنده حق ناشناس و فرد ثروتمند می باشد.  
حق تعالی گفت قارون زار زار خواند ای موسی تو را هفتاد بار  
(همان، ۳۱۵)

#### ۴-۱۲- اشخاص متفرقه

در منطق الطیر اشخاص متفرقه شامل افراد و شخصیهایی هستند که هر کدام میتوانند نماینده یک صفت باشند. افراد و نامهایی همچون پیر ترکستان، حذیفه، دحیه، روح القدس، زبور، اولاد عباس، عباسه، عزّی و لات.

#### ۴-۱۳- شخصیهای اساطیری

شخصیهای اساطیری منطق الطیر شامل: افریدون ( فریدون)، جم (جمشید) و ذوالقرنین میباشند. عطار از فریدون یکبار یاد میکند و وی را رمزی از پیران طریقت و نیز مظهر هوش و عدالت می شمارد.

نفس سگ را خوار دارم لاجرم عزت از من یافت افریدون و جم  
(همان ۲۷۳)

جم یا جمشید در شعر عطار جلوه های گوناگونی از قبیل عاشقانه، عارفانه و حکیمانه دارد و با توجه به قدرت و علاقه عطار نسبت به بکار گرفتن اسطوره و روایات گوناگون است. در روایات داستانی ایران، جم یکی از بزرگترین پادشاهان سلسله پیشدادی است که جام جهان نما را به او نسبت دادند.<sup>۱</sup> عطار وی را مظهر و نماد قدرت و شکوه میدانند که همراه با فریدون آمده است. عطار از ذوالقرنین نیز یکبار یاد میکند.

چون بگردد از دو گیتی رای تو دست ذوالقرنین آید جای تو  
(همان، ۲۶۲)

ذوالقرنین مظهر جلال و جمال الهی است و مطلقاً در مرتبه فنا فی الله می باشد. وی مظهری از اسماء و صفات حق است.

#### ۴-۱۴- اعلام جغرافیایی

بخش دیگری از اعلام منطق الطیر که همواره در نظم و نثر شاعران و نویسندگان ادبیات فارسی بکار رفته، اعلام جغرافیایی است. در منطق الطیر برخی از کشورها، شهرها و اقالیم و مکانهای مقدس افسانه ای و غیرواقعی مورد توجه عطار بوده است. شیخ با بکارگیری اعلام جغرافیایی در کتاب ارزشمند خویش به جنبه های تلمیحی، امثال و حکم و بیان

<sup>۱</sup> - جام جهان نما، معین، ۳۰۱.

رمزی آنها پرداخته و از این راه مضامین و مفاهیم فراوانی ساخته است. این اعلام شامل کشورها، شهرها، اقالیم و مکانهای مقدس و افسانه‌ای میباشند. با توجه به اینکه منطق الطیر از آثار عرفانی ادبیات فارسی است، عطار از اصطلاحات جغرافیایی، افسانه‌ای و تخیلی همچون کوه قاف استفاده کرده و همچنین به دلیل معرفی بسیاری از عارفان و شیوخ و زادگاه آنان به ذکر کشورهای چینی، روم، هندوستان، یونان و شهرها و مکانهای معروفی چون ارم، بصره، بغداد، ترکستان، حجاز، خراسان، دارالسلام، سبأ، سدره، طراز، طور، غزنین، کاریز، کربلا، کعبه، نیشابور، وادی المقدس و یثرب میپردازد.

شناخت اعلام و اقالیم جغرافیایی باعث فهم و درک بسیاری از معانی ابیات منطق الطیر به ویژه جنبه‌های رمزی و سمبلیک آنها میشود به عنوان مثال چین رمزی از عالم صورت است که از آن نقشها و صور گوناگون پدیدار میشود یا روم که از نظر عطار دیار روشنی و صفا و مظهر سفیدی و روشنی است. شهر بصره نیز اهمیت خاص خود را دارد؛ از جهتی مهد پرورش و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و علما و مشاهیر است و از جهتی دیگر در ادبیات فارسی جنبه‌ی مثل و کنایه پیدا کرده و خرما به بصره بردن رایج میباشد. ترکستان، مظهر و نماد زیبایی و حسن و جمال میباشد. کوه طور نیز به جز معانی حقیقی و شناخته شده آن، مظهر امر الهی و قضای ازلی و محل تجلی حق میباشد. همچنین قاف که مظهر و نماد سرزمین دل و سرزمین سیمرغ جان و حقیقت و راستی است و به اقلیم قلب و فؤاد و کشور دل اطلاق میشود و عطار آن را نماد عالم کبیر و ملکوت و روحانی تصور کرده، جایی که بارگاه الهی نامیده شده و خانه مقصود میباشد. وادی المقدس مظهر جلوه نور حق میباشد. عطار هم چنین کعبه را جدا از مکان مقدس و مهم ترین عبادتگاه اسلامی، مظهر توجه دل به سوی خدا و نمادی از مکان سرگشتگان وادی حیرت میسرمد و بیشتر به جنبه‌های نمادین کعبه تا جنبه‌های وجودی و تاریخی آن نظر دارد.

#### ۴-۱۵- پرندگان

در میان اعلام و شخصیت‌های غیر حقیقی شاهد مرغانی هستیم که عطار در منطق الطیر به تصریح نام و نشان آنان را آورده است و به ترتیب عبارتند از: هدهد، مو سیجه، طوطی، کبک، تنگ باز، دراج، بلبل (عندلیب)، طاووس، تذرو، قمری، فاخته، باز، مرغ زرین، بط (مرغابی)، همای، بوتیمار، کوف، صعوه و در پایان یا پیش از همه سیمرغ میباشد. هر کدام از این مرغان بیانگر انسانهایی هستند که در جستجوی حقیقت دست به سفر میزنند و در حقیقت هر یک شخصیتی نمادین دارند. هدهد اصلی ترین نقش را بر عهده دارد و هر کدام دیگر نماد سالکی هستند که در طی طریق حق میباشند. عطار با استفاده از تجانس لفظی بسیار زیبا و ظریف بین «سیمرغ» و «سی مرغ» به

شکل تمثیلی و رمزی به طرح کلی داستان خویش میپردازد. عطار در ۶۵ بیت از ابیات ۶۱۶ تا ۶۸۰ کتاب خویش با سیزده پرنده مناظره میکند. شگرد عطار برای هر چه جذابتر کردن این نوع شیوه (گفتگو)، توصیف احوال درونی ایشان میباشد. ساختار داستانی پرندگان عطار به گونه ایست که به هر پرنده ای پنج بیت اختصاص داده شده است. در هر پنج بیت شاهد سه جزء یا بخش هستیم؛ ۱- پرنده، ۲- پیامبر، ۳- شخصیت منفی.

خسروی در مقاله «نگاهی به نمادپردازی عطار در منطق الطیر» مینویسد: «پرنده در سه مفهوم طیر، سالک و روح؛ پیامبر در مفهوم نبی، ولی خدا و پیر؛ و شخصیت منفی در معنای قاموسی واژه نفس و جسم بکار رفته است. این سه مفهوم در تمام قسمتهای سیزده گانه ثابت است.» (نگاهی به نمادپردازی عطار در منطق الطیر، ۶۷).

در کتاب «مرغان گویا» آمده است: «پرندگان در منطق الطیر سمبل نفوس مستعدی هستند که با پرواز خود موانع سفر را یکی بعد از دیگری طی میکنند، تا به اصل و پادشاه خویش بپیوندند. در اساطیر و قبایل ابتدایی نیز، پرنده به سادگی سمبل تعالی بوده است. منطق الطیر موضوع مرحله بعد از آگاهی روح را نشان میدهد و سیر سفر روح از خاک به افلاک است.» (مرغان گویا، ۱۱۹).

عطار با زمینه سازی یا فضا سازی و به اصطلاح «براعت استهلال» شیوه ی خاصی را از ابیات ۶۱۶ تا ۶۸۰ کتاب خویش پیش از ورود به داستان سیمرغ و مرغان مسافر، پی ریزی میکند. این مقدمه که عطار سمبل و نمادهای موردنظر خود را در قالب آن نشان میدهد، برای آشنایی خواننده با موضوع اصلی و ایجاد آمادگی در اوست.

هدهد نماد مرشد و دلیل راه، موسیجه نماد سالک و روح، طوطی نماد نفس ناطقه انسانی و هم چنین نمادی از زاهدان اهل ظاهر، کبک سمبل انسانهایی که به افتخارات شخصی، ملی و نژادی دلخوشند و در درون احساس غرور میکنند، تنگ باز و دراج مظهر سالک، بلبل نماد عاشق که در معشوق فانی شده و نظر باز است، طاووس نماد انسانهای خودشیفته و متظاهر که به فکر پادشاهت هستند، تذرو مظهر سالکی که در چاه ظلمت گرفتار است و باید تلاش کند تا به اوج عرش رحمانی برسد، قمری مظهر سالک گرفتار دنیا، فاخته نماد سالک وفادار، باز نماد بلندپروازی و سالکی که تلاش میکند تا به حق نزدیک شود، مرغ زرین مظهر سالکی که هستی خود را برای معشوق فنا میکند، بط سمبل انسان زاهد و پارسا که به احکام ظاهری بسیار اهمیت داده و خود را مقدس میشمرد نیز زاهدان مدعیان کرامت و کسانی که عبادت قشری را بهای بهشت میدانند، همای نماد انسانهای بلند همت و طالب مقام والا، بوتیمار سمبل افراد خسیس، بخیل و نیازمند به معرفت اما دلخوش به علم یقین، کوف نماد انسانهای گوشه گیر و انزواطلب و رمزی از دنیادوستان و زرپرستان، صعوه نماد سالکانی که تحمل سختیها را ندارند و در نهایت سیمرغ که از نظر عارفان منبع

فیض و سرچشمه هستی یا وجود باری تعالی میباشد؛ رمزی از نبی و ولی است نه رمزی از حقیقت مطلقه، زیرا ذات اقدس احدیت به هیچ چیز تشبیه و تمثیل نمییابد.

به هر تقدیر منطق الطیر گزارشنامه‌ای از یک طلب و جستجو میباشد؛ جستجوی سیمرغی بی‌نشان و سیر و سلوکی عارفانه که با انتخاب و رهبری همداد از سوی مرغان قلمداد میشود و حاکی از سیر خلق به حق است که این سیر بدون پیر و مراد ناممکن است. بسیاری از اعلام حقیقی و غیرحقیقی در قالب سالکی به سلوک خود ادامه داده تا به بیکران قاف حقیقت دست یابند.

کلیدیترین مفهوم در منطق الطیر همانا اندیشه وحدت در عین کثرت است که با زیور زیبای هنری عطار میان «سی مرغ» و «سیمرغ» همراه است. سی مرغی که نماینده و سمبل نفوس مستعدی هستند در سلوک خود و موانعی را طی میکنند تا به اصل خویش واصل شوند. آنچه که این منظومه را خواندنیتر کرده است وجود حکایات متنوع و گوناگونی است که بسیار ساده و شنیدنی هستند. شگرد عطار برای جذابتر کردن حکایات برای خوانندگان این است که بین شخصیتها و توصیف احوال درونی آنان از شیوه مناظره و گفتگو بهره میگیرد؛ البته غافل نباید شد از این که عطار برای بیان معانی غیر از معنای ظاهری از داستان و حکایت سود میجوید.

مرحبا ای هدهد هادی شده	در حقیقت پیک هر وادی شده (همان، ۲۵۹)
همچو موسی دیده‌ای آتش ز دور	لاجرم موسیچه‌ای بر کوه طور (همان، ۲۵۹)
مرحبا ای طوطی طوبی نشین	قله در پوشیده طوقی آتشین (همان، ۲۶۰)
خه خه ای کبک خرامان در خرام	خوش خوشی از کوه عرفان در خرام (همان، ۲۶۰)
مرحبا ای تنگ باز تنگ چشم	چند خواهی بود تند و تیز و خشم (همان، ۲۶۰)
خه خه ای درآج معراج الست	دیده بر فرق بلی تاج الست (همان، ۲۶۰)
مرحبا ای عندلیب باغ عشق	ناله کن خوش خوش ز درد و داغ عشق (همان، ۲۶۱)
خه خه ای طاووس باغ هشت در (همان، ۲۶۱)	سوختی از زخم مار هفت سر
مرحبا ای خوش تذر و دوربین	چشمه دل غرق بحر نوربین



(همان، ۲۶۱)	شاد رفته تنگدل باز آمده	خه خه ای قمری دم ساز آمده
(همان، ۲۶۱)	تا گهر بر تو فشاند هفت صحن	مرحبا ای فاخته بگشای لحن
(همان، ۲۶۲)	رفته سرکش سرنگون باز آمده	خه خه ای باز به پرواز آمده
(همان، ۲۶۲)	گرم شو در کار و چون آتش در آئی	مرحبا ای مرغ زرین خوش در آئی
(همان، ۲۷۰)	در میان جمع با خیرالشیاب	بط به صد پاکی برون آمد ز آب
(همان، ۲۷۳)	خسروان را ظل او سرمایه بخش	پیش جمع آمد همای سایه بخش
(همان، ۲۷۶)	گفت ای مرغان من و تیمار خویش	پس درآمد زود بوتیمار پیش
(همان، ۲۷۷)	گفت من بگزیده ام ویرانه ای	کوف آمد پیش چون دیوانه ای
(همان، ۲۷۸)	پای تا سر همچو آتش بیقرار	صعوه آمد دل ضعیف و تن نزار

#### ۴-۱۵-۱-سیمرغ

سیمرغ پرنده ای که به آن عنقا نیز میگویند؛ همان که زال پدر رستم را پرورد و گاهی سیرنگ هم گفته میشود زیرا که سیمرغ سی رنگ دارد.

کلمه سیمرغ از دو جز *saēnō* و *morgho* ترکیب شده است که جز دوم همان مرغ است، اما جز نخستین ربطی به کلمه سی (عدد) ندارد بلکه همان کلمه ای است که در دوره های بعد به صورت «شاهین» در آمده است.<sup>۱</sup>

تقی پور نامداریان میگوید: «سابقه حضور این مرغ اساطیری در فرهنگ ایرانی به پیش از اسلام میرسد و این مرغ، مرغی است فراخ بال که بر درختی درمان بخش به نام ویسپوبیش یا هرویسپ تخمک که در بردارنده تخمه همه گیاهان است، آشیان دارد.» (دیدار با سیمرغ،

<sup>۱</sup> - برای اطلاعات بیشتر، رجوع شود به تعلیقات استاد معین بر برهان قاطع، ذیل سیمرغ.

ص ۶۵) صارمی سیمرغ را مظهر حضرت حق و عزلت میدانند.<sup>۱</sup> عارفان سیمرغ را منبع فیض و سرچشمه هستی یا وجود باری تعالی تصور میکنند. زرینکوب، سیمرغ را کنایه از جناب قدس و احدیت میدانند که در مجموع قصه مظهر کمال و جلال سلطانی قرار میگیرد. (صدای بال سیمرغ، ص ۹۳) اما در نهایت با توجه به مبانی کلام شیعی و استناد به آنها<sup>۲</sup> به نظر میرسد عطار در منطق الطیر، سیمرغ را رمز و نمادی از نبی و ولی میدانند.

### ۵- نتیجه گیری

بررسی و معرفی شخصیتها، اعلام حقیقی و نمادین منطق الطیر عطار تلاشی است که محقق را رودرروی شناخت دقیق اعلام حقیقی و نمادین منطق الطیر قرار میدهد تا در بستر کلامی ساده و خواندنی به جزییات امر آگاه شود. اعلام منطق الطیر که دربرگیرنده نامهای تاریخی، جغرافیایی و شخصیت‌های حقیقی و نمادین است میتواند در تحلیل و بررسی، چهره از نقاب اندیشه‌های والای عطار باز کند و آنچه را که در استفاده از شیوه خاص خود یعنی رمز و نماد است، آشکار نماید.

بررسی اعلام منطق الطیر، گذشته از آنکه هر علمی را مورد بررسی قرار میدهد، به جنبه های رمزی و نمادین هر علم نیز میپردازد. قلمروی اعلام در منطق الطیر به مراتب گسترده تر از سایر آثار کلاسیک و نظایر آن بجز مثنوی مولانا میباشد. سبک پردازشهای داستانی و مفهومی در منطق الطیر عطار بگونه ایست که از حجم وسیعی از اعلام بهره گرفته است؛ و از اینکه هست در آثار مشابه خود همچون حدیقه الحقیقه سنایی و مخزن الاسرار نظامی و آثار دیگر برتری دارد.

در این مقاله کوشش به عمل آمد تا تمامی اعلام بکار رفته در منطق الطیر که شاید یافتن برخی از آنها از دایره المعارف و کتب تراجم میسر نباشد، دست یافتنی و دیدگاه خاص عطار در آن زمینه را فراهم سازد.

اعلام منطق الطیر در کنار داستانهای انبیا و اولیا، قصه های صحابه و مشایخ، روایات صوفیه و قصه های زیبا قرار گرفته اند و همه آنها ریشه در مطالعات، شنیده ها و مشاهدات عطار دارد.

با توجه به جنبه های آماری، کاربرد جداگانه اعلام در منطق الطیر، میتوان به علاقه عطار در بسامد هر یک از اعلام پی برد. به عنوان نمونه عطار در منطق الطیر از سطر و سقراط

<sup>۱</sup> برای اطلاعات بیشتر، رجوع شود به مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار، ص ۱۱۸.

<sup>۲</sup> برای اطلاعات بیشتر، رجوع شود به قاف عشق، نیری، ص ۹۹.

هر کدام یکبار نام میبرد، در حالیکه نام انبیا و اولیای الهی را بیش از ده بار آورده است. این بررسی علاقه عطار به پیشوایان دینی و زهد و زاهدی را نشان میدهد. در این بررسی، شرح و تحلیل، نتایج و دریافتهای زیر از اعلام منطق الطیر حاصل شد: اعلام بکار رفته در منطق الطیر ۱۴۹ مورد میباشد که شامل اعلام تاریخی و جغرافیایی است. عطار ۱۹ شخصیت دیگر را نیز تحت عنوان پرندگان که جنبه نمادین دارد و توجه به ویژگیهای جسمانی و نفسانی و همچنین زمینه های اساطیری آنها دارد را ذکر میکند. گروهی از اعلام از شخصیتهای تاریخی هستند که نام آنها در تاریخ و فرهنگنامه ها آمده است. عده دیگر از فقیهان، واعظان، عارفان، وزیران و حاکمانی هستند که در زمان حیات عطار مشهور بوده و یا قصه ای از آنها بر سر زبانها بوده است؛ عده ای هم ساخته و پرداخته ذهن عطار میباشند.

#### منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ارزش میراث صوفیه، زرین کوب، عبدالحسین، چاپ سیزدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- ۳- برهان قاطع، تبریزی (برهان)، محمدحسین بن خلف، به اهتمام محمد معین، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- ۴- تجلی رمز و روایت در شعر عطار نیشابوری، اشرف زاده، رضا، چاپ اول، تهران، اساطیر، ۱۳۷۳.
- ۵- جام جهان نما، معین، محمد، مجله دانش، ۱۳۲۸، ۶، ۳۰۰-۳۰۵.
- ۶- داستان پیامبران، یزدان پرست، حمید، چاپ چهارم، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۰.
- ۷- دیدار با سیمرغ، پورنامداریان، تقی، چاپ پنجم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- ۸- رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، چاپ هشتم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
- ۹- سیمرغ و سی مرغ، منزوی، علینقی، چاپ دوم، تهران، راه مانا، ۱۳۷۹.
- ۱۰- شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، فروزان فر، بدیع الزمان، چاپ دوم، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۱۱- صدای بال سیمرغ، زرین کوب، عبدالحسین، چاپ پنجم، تهران، سخن، ۱۳۸۶.
- ۱۲- فرهنگ معارف اسلامی، سجادی، سید جعفر، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۲.
- ۱۳- قاف عشق، نیروی، محمد یوسف، چاپ اول، تهران، افراز، ۱۳۹۱.
- ۱۴- کشف المحجوب، هجویری غزنوی، علی بن عثمان، مقدمه قاسم انصاری، چاپ پنجم،

تهران، طهوری، ۱۳۷۶.

۱۵- مرغان گویا، نوحی، نزهت، چاپ اول، تهران، باد، ۱۳۹۳.

۱۶- مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار، صارمی، سهیلا، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶.

۱۷- منطق الطیر، عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین، مقدمه، تصحیح و توضیحات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ ششم، تهران، سخن، ۱۳۸۸.

۱۸- نگاهی به نمادپردازی عطار در منطق الطیر، خسروی، حسین، نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، ۱۳۸۷، ۱۲، ۶۵-۷۹.